

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/03/05

موضوع: از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به چه کسی باید رأی بدهیم!؟

پرسش و پاسخ پیرامون انتخابات ریاست جمهوری در محضر استاد حسینی قزوینی

فهرست مطالب این برنامه:

ایرانی‌ها 180 برابر کشورهای دیگر مورد هجوم فضای مجازی هستند!!

«سید ابوالفضل برقی» حربه ای برای مقابله با مکتب تشیع!

نسخه کارآمد و قطعی اهل بیت (علیهم السلام) در روش برخورد با مخالفین!

جلسه ای متفاوت در «برج الابراج» مکه مکرمه، با وهابی‌ها

لزوم تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام الهی در جامعه

میزان تأثیر رأی مردم در سرنوشت کشور در بیان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مهمترین ویژگی حاکم جامعه اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مراقب جنگ روانی روزهای نزدیک به انتخابات باشید!!

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، فانه خير ناصر و معين؛ اولاً خيلي ممنونيم از شما استاد محترم

از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

از مجموعه «فتوت» مزاحمتان می‌شویم؛ گروه فلاح. دوستان در آستانه انتخابات، نگاه گفتمانی در مورد

انتخابات را شروع کردند. فارغ از همه جریان‌های سیاسی و جناح بندی‌هایی که در انتخابات است و اصلاً

دوستان درگیر این مسئله نیستند و صرفاً در فضای گفتگویی و مبانی انقلاب این تحرکات که دشمن نسبت به این مسئله نظر دارد، و وظایفی که حوزه‌های علمیه و اساتید و طلاب در این زمینه دارند، دارند کار می‌کنند.

بیشتر با این رویکرد کار شروع شده و عملیاتی که طراحی شده و کاری که پیش بینی شده انجام بشود، این که محضر اساتید بزرگوار برسیم و از رهنمودهایشان استفاده کنیم و از نقطه نظراتشان در این زمینه جویا بشویم.

هم در راستای شناخت فضا و این که دارد چه اتفاقاتی می‌افتد و این که چه وظایفی بدنه حوزه‌های علمیه خصوصاً اساتید به طور خاص و طلبه‌های در این مسیر دارند، آگاه بشویم.

این دیدار برای ما از جهات دیگر هم خیلی مغتنم است که از محضر شما از جهات دیگری هم استفاده بکنیم و به مسائل دیگری هم که است بپردازیم و ان شاء الله اگر برسم و صلاح بدانید خدمت تان عرض کنم.

اگر صلاح بدانید و اجازه است من شروع کنم سولات را از محضر تان بپرسم، تا ان شاء الله استفاده کنیم، چون نمی‌خواهیم خیلی هم مصدع وقت شریف تان بشویم.

اگر جسارت نیست به عنوان اولین سوال عرض کنم محضر تان که الان خیلی از صاحب نظران معتقدند تحرکات دشمن، هم نسبت به گذشته بیشتر شده و هم پیچیده‌تر شده است.

طبیعتاً این انتخاباتی که پیش روست از حساسیت‌های بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است و حالا عوامل داخلی‌شان هم دارند به این دامن می‌زنند و اظهار نظرهایی که دارد انجام می‌شود و کارهای که دارد انجام می‌شود و پیش بینی‌هایی که از نتیجه انتخابات مخصوصاً مشارکت مردم در رسانه‌ها و بین اصحاب رسانه و اصحاب تحلیل اتفاق می‌افتد، یک مقداری در واقع خطرناک است و مقداری ذهن همه را مشغول کرده است.

دلمان می‌خواهد در این زمینه نظر حضرتعالی را بدانیم که واقعا این حساسیت‌هایی به این شکل موجود است و ابعادی که این قضیه الان می‌تواند داشته باشد چیست؛ اگر این را بفرمایید سوالات بعدی را هم از محضرتان بپرسم.

ایرانی‌ها 180 برابر کشورهای دیگر مورد هجوم فضای مجازی هستند!!

آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله والصلاة
على رسول الله وعلى آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء
الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

در رابطه با تهاجمی که امروز ما مواجه با آن هستیم، با گذشته خیلی تفاوت دارد. در گذشته از همان اول پیروزی انقلاب، این‌ها دنبال این بودند که می‌توانند با ترفندهای خیلی ساده، جمهوری اسلامی را ساقط کنند و با انقلاب‌های رنگین و... که در دیگر کشورها انجام شد، بتوانند نظام ایران را هم تغییر بدهند ولی همه شکست خوردند.

آقای دکتر «هانتیگتون» بزرگ نظریه پرداز «کاخ سفید» تحلیل‌های زیادی دارد، البته من نمی‌خواهم به آن پردازم که چرا «آمریکا» این همه علیه جمهوری اسلامی برنامه ریزی کرد. مانند «طبس» و... ایشان ده، دوازده مورد از این توطئه‌ها را آورده که شکست خوردند.

بودجه‌هایی که ایشان فقط برای طرح شکست نظام جمهوری اسلامی آورده یک مبلغی است که دیدم این‌ها هزینه چهار- پنج سال جمهوری اسلامی را هزینه گذاشته‌اند فقط برای این طرح که چه کار کنیم و چه پیشنهاداتی را می‌شود برای سقوط جمهوری اسلامی ایران داد!!

شما مستحضرید اخیراً مطلبی در خبرگزاری‌هایی که محرمانه بود و بعضاً هم به غیر محرمانه‌ها هم کشیده شد، طبق برآورد متخصصین علوم ارتباطات، ایرانی‌ها 180 برابر کشورهای دیگر از طریق فضای مجازی مورد هجوم و عملیات روانی هستند.

«عربستان سعودی» در 20 اسفند 96 واحد تولید و انتشارات محتوا در فضای مجازی را با حضور «محمد بن سلمان» و «مریم رجوی» تأسیس کرد. گفتند ما چرا کار کنیم تا جمهوری اسلامی را ساقط کنیم؟! یعنی این‌ها تا این اندازه بدبخت و بیچاره‌اند که:

«الغریقُ یتشبَّثُ بکلِّ حَشیشٍ»

سراغ بیوه ی «مسعود رجوی» رفتند. جلسه‌ای را با خود پادشاه عربستان سعودی، «ملک سلمان»، و رئیس جمهور «مصر»، یعنی «السیسی» و «ترامپ» گذاشته‌اند. سازمانی به نام سازمان مبارزه با افراط گرایی مثلاً برای مبارزه با جمهوری اسلامی ایران تأسیس کردند.

مخصوصاً در «عربستان سعودی» اگر دقت کنید در نا آرامی‌های سال 96 که اوج ناآرامی‌ها بود، و این‌ها امید داشتند برای سقوط نظام - این مطلب در فضای مجازی هست و دوستان هم می‌توانند پیگیری کنند - 27 درصد هشتک‌های سراسری علیه جمهوری اسلامی ایران از داخل «عربستان سعودی» بوده است و این خیلی عجیب است!!

نکته‌ی بعدی که آقایان آورده‌اند واحد جنگ سایبری منافقین در «اردوگاه تیرانا» در کشور «آلبانی» است. در این اردوگاه هزار و پانصد نفر؛ هریک نفر، بیست اکانت را مدیریت می‌کنند و شبانه روز دارند محتوای حرفه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، علیه ولایت فقیه، علیه حجاب، علیه سپاه و فرماندهان سپاه و مدیران موفق جمهوری اسلامی برنامه تولید می‌کنند و در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

این‌ها نشان می‌دهد که همان فرمایش «مقام معظم رهبری» که فرمود: "فضای مجازی قتلگاه جوان‌ها شده است" این‌ها دارند از هر دری و با همه امکانات وارد شدند و از تمام ظرفیت‌های موجود دارند علیه تشیع و علیه نظام برخاسته از فرهنگ اهل‌بیت، برنامه‌سازی می‌کنند و دارند از این فضا استفاده می‌کنند.

البته من نمی‌خواهم بگویم این طرف بی‌کار نشسته‌اند؛ ولی در برابر این مقدار هجمه، چه حوزه‌های علمیه ما، و چه دانشگاهیان ما و چه توده‌ی مردم آن‌گونه‌ای که زبیده است، که «مقام معظم رهبری» فرمودند: "از هر دری وارد شدند شما هم از هر دری وارد شوید"؛ کار نکرده‌ایم.

«سید ابوالفضل برقی» حربه‌ای برای مقابله با مکتب تشیع!

بنده که تقریباً اشراف کامل به رسانه‌هایی که علیه جمهوری اسلامی کار می‌کنند دارم و هم در فضای مجازی هر روز دو، سه ساعت می‌گردم، مخصوصاً آن رسانه‌هایی که مربوط به وهابیت و سلفی‌ها و معاندین، مثل «شبکه من و تو»، «صدای آمریکا» و «بی بی سی» و کل آنچه که علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه دارند، همه این‌ها را ما می‌بینیم و رصد می‌کنیم.

همین هفت، هشت روز قبل «صدای آمریکا» برنامه‌ای در رابطه با دفاع از آقای «برقی» مرتد ساخته بود، آقای «برقی» از اساتید حوزه بودند و زمان «آیت الله العظمی بروجردی» در مسجد امام، مکاسب تدریس می‌کردند.

ایشان دوست داشت بعد از پسر عمویش «سید ابو الحسن اصفهانی»، مرجع بشود، ولی مرجع نشد. ایشان در سر درس خود، به آقای «بروجردی» جسارت کرد، طلبه‌ها ایشان را از منبر درس پایین کشیدند و کتکش زدند.

ایشان از «قم» فرار کرد و به «تهران» رفت و در یک مسجدی مشغول به فعالیت شد در آنجا 46 کتاب علیه شیعه نوشت. الان هم در رسانه‌ها، مطرح است. حالا از رسانه‌های وهابی که دور از انتظار نیست، حتی «بی بی سی» برنامه‌ای در دفاع از «سید ابوالفضل برقی» تولید کرده است!!

اخیراً هم کتابی در «عربستان سعودی» چاپ شده است و متأسفانه ظاهراً استخبارات «عربستان» هم پشت این قضیه است که می‌گوید چون ما توانایی بحث و مناظره با شیعه را نداریم، بیاییم طیف ضد نظام و ضد شیعه‌ای که در داخل «ایران» هستند مثل «برقی»، «طباطبایی»، «قلمداران»، «سروش» و...، ما حرف‌های این‌ها را زنده کنیم و پخش کنیم.

چون این‌ها همان حرف‌هایی را می‌زنند که ما می‌زنیم. بعد آمده یک فهرست مفصلی از آراء و اقوال «برقعی» و امثال ایشان را مطرح کرده و می‌گوید این‌ها همان حرف‌های ما است. ما وهابی‌ها جز این حرفی نداریم، عین حرف ما را «برقعی»، «قلمداران»، «طباطبایی»، «کدیور» و... زده‌اند. ما بیاییم اینها را احیاء کنیم. اینها فعلاً به این نتیجه رسیده‌اند.

لذا ما باید جوان‌هایمان را تشویق کنیم در فضای مجازی حضور فعال داشته باشند. من در جلسه دو روز قبل با تعدادی از عزیزان سپاه که از سطح کشور آمده بودند و در خدمتشان بودیم، گفتم این فرمایش «مقام معظم رهبری» که می‌فرماید: "آن‌ها از هر دری وارد می‌شوند شما هم از هر دری وارد بشوید" این را دیگر آقا به چه زبانی بگوید؟

شما هر کدام تان موظف هستید، همان طوری که نماز برایتان واجب است، روزه واجب است، هرکدام بیایید در اینترنت، وبلاگ، سایت، در اپلیکشین‌ها مثل تلگرام، اینستاگرام، واتساب و غیره گروه و کانال درست کنید و تمام شماره تلفن‌هایی که روی موبایل تان است را وارد کنید و به آنها پیام بدهید و از این‌ها بخواهید پیام را به صورت شاخه‌ای بین مردم منتشر کنند.

شما می‌بینید که یک بحث را شما در گروه و کانال تان پخش می‌کنید بعد از یک هفته میلیون‌ها نفر این بحث را می‌بینند. امروز دیگر لازم نیست ما متینگ بگذاریم، دعوت کنیم و سخنرانی کنیم و جمعیت را در خیابان بکشانیم.

الان فضای مجازی، دنیا را به صورت یک اطاق در آورده است. نه به صورت یک کشور، به صورت یک اطاق در آورده، شما در خانه‌ات بنشین و حرفت را بزن!

مجری:

خیلی ممنونم. شما به «عربستان» هم اشاره کردید، اگر صلاح بدانید بحث را به یک سمت دیگری هم ببریم؛ بعد دوباره به سوالاتمان بر گردیم. در این چند ماه گذشته که در واقع بحث انتخابات هم یک مقدار داغ‌تر

شده بود، «عبدالحمید» هم، یک تحرکاتی را شروع کرد و یک صحبت‌هایی را داشت، البته با مواضعش مقابله هم شد و به ادعاهایش پاسخ هم داده شد.

اما من از همین مجرا می‌خواهم چند تا نکته را عرض کنم و بعد ان شاء الله نظر حضرتعالی را جویا می‌شویم. یک بحثی را ما الان نسبت به حضور اهل سنت نسبت به انتخابات داریم که مشارکت‌شان از جهت مبانی فقهی در نظام اسلامی به چه صورت است؟ و این که مبلغین اینها به چه صورت می‌توانند مشارکت کنند؟

چون ما از این طرف معتقدیم طلاب اگر بخواهند به صورت فعالانه نقش آفرینی کنند می‌توانند به عنوان یک مبلغ دینی اندیشه‌ها را منتقل کنند و مردم را به حضور مؤثر در صحنه ترغیب کنند.

آیا مبلغین اهل سنت هم چنین اجازه‌ای را از جهت مبانی فقهی دارند یا ندارند؟! و یک جهت دیگری را هم اگر اشاره بفرمایید ممنون می‌شوم و آن اینست که متقابلاً این بحث حق و وظیفه‌ای که در انتخابات مطرح می‌شود که رأی دادن هم یک حق است و هم یک وظیفه است.

همان طوری که ما همه را ترغیب می‌کنم، اهل سنت را یا اقلیت‌های مذهبی را نه صرفاً اهل سنت که در انتخابات شرکت کنند، از آن طرف نظام اسلامی برای این که این حقوق متقابل شکل بگیرد در قبال اینها چه وظایفی دارد؟ اگر حول این مسائل هم نکاتی را بفرمایید ممنون می‌شوم.

نسخه کارآمد و قطعی اهل بیت (علیهم السلام) در روش برخورد با مخالفین!

آیت الله حسینی قزوینی:

آقای «عبدالحمید» یک حرف‌هایی زد و برخوردهای هم شد؛ این مسائل فراتر از مسائل حوزوی بود و مسئله سیاسی بود. در خود حوزه هم معاونت تبلیغ چند جلسه برگزار کرد که با افرادی از اهل سنت که دارند بعضی مطالبی را مطرح می‌کنند که اینها موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود، چه کار باید کرد؛ در آن جلسات یک راهکارهایی در نظر گرفته شد.

ایشان از تربیون نماز جمعه این مطالب را مطرح کرد و پاسخش هم باید از همان تربیون نماز جمعه داده بشود، نه از جای دیگر. امام جمعه محترم «زابل» هم در این زمینه ورود پیدا کرد و در مجموع یک تقابل خوبی بود.

البته ما معتقدیم حرمت شکنی در این قضایا نشود، هرچند آن‌ها حرمت شکنی کردند. یک تعبیری آیت الله «وحید خراسانی» دارد می‌گوید: "اگر مخالفین شما، شما را به شرک و کفر متهم کردند، شما آنها را به شرک و کفر متهم نکنید"

(وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

سوره نحل (16): آیه 125

این برخورد قرآنی نتیجه‌ای را می‌دهد که با این قضایایی که ما تصور می‌کنیم، قطعاً آن جواب را نمی‌دهد. من یک روایتی دیدم، خیلی برایم عجیب بود، این روایت در «کافی» جلد 8 صفحه 373 است و امیدوارم این روایت برای ما الگو باشد.

آقا امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید: حضرت ابراهیم (علی نبینا وآله و علیه السلام) با یارانش بیرون آمد، از آن طرف هم پادشاه وقت که به «جبار» تعبیر شده بیرون آمد، خدای عالم به حضرت ابراهیم وحی کرد:

«قَفْ وَ لَا تَمْشِ قُدَّامَ الْجَبَّارِ الْمُتَسَلِّطِ وَ يَمْشِي هُوَ خَلْفَكَ»

ای ابراهیم! بایست و جلوتر از حاکم جبار نرو!

«اجْعَلْهُ أَمَامَكَ وَ امْشِ وَ هَبْهُ فَإِنَّهُ مُسَلِّطٌ وَ لَا بُدَّ مِنْ إِمْرَةٍ فِي الْأَرْضِ بَرَّةٌ أَوْ فَاجِرَةٌ»

پشت سرش حرکت کن، جامعه نیاز به یک حاکم دارد، حالا این حاکم بر و خوب باشد و یا ظالم باشد.

بعد جالبش اینجاست حضرت ابراهیم آمد پشت سر این جبار حرکت کرد، و به این جبار گفت:

«فَإِنَّ إِلَهِي أَوْحَى إِلَيَّ السَّاعَةَ أَنْ أُعْظِمَكَ وَ أَهَابَكَ وَ أَنْ أُقَدِّمَكَ أَمَامِي وَ أَمْشِي خَلْفَكَ إِجْلَالًا لَكَ»

خدای عالم به من دستور داده پشت سر تو حرکت کنم، و تو را جلو بیندازم.

«فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ أَوْحَى إِلَيْكَ بِهَذَا»

ملک جبار گفت: خدا این طوری دستور داده است؟

«فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) نَعَمْ فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ أَشْهَدُ إِنَّ إِلَهَكَ لَرَفِيقٌ حَلِيمٌ كَرِيمٌ»

حضرت ابراهیم گفت: بله. جبار گفت: شهادت می‌دهم که خدای تو، هم رفیق است هم حلیم است و هم کریم است.

«وَ إِنَّكَ تُرْعِبُنِي فِي دِينِكَ»

این کار باعث شد که من در دین تو رغبت و علاقه پیدا کنم و به دین و آیین تو در بیایم!

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 8، ص 373

این روایت به ما درس‌های زیادی می‌دهد و پیام زیادی دارد که اگر ما احساس کنیم یک فردی با یک نرمشی از ما تغییر پیدا می‌کند، نیاییم با ابراز دشمنی، این دشمن را سخت‌تر کنیم. بلکه با نرمش خودمان دشمن را به مخالف، و مخالف را به بی تفاوت و بی تفاوت را به دوست تبدیل کنیم.

البته این جایی است که ما احتمال اصلاح می‌دهیم؛ اگر نه، طرف مقابل مثل «آمریکا» و «اسرائیل» که فقط عناد قطعی دارند و اصلاً در فکر و ذهنشان غیر از قلدری چیز دیگری نیست، در آنجا:

(فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ)

اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.

سوره بقره (2): آیه 194

در اینجا این آیه حاکم است و دیگر:

(وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

سوره نحل (16): آیه 125

در آنجا معنا نمی‌دهد. این یک نکته.

نکته دیگر این است که اهل سنتی که ما در «ایران» داریم، این‌ها معمولا یا شافعی هستند که در شرق کشور زندگی می‌کنند، یا حنفی هستند که در غرب و جنوب کشور زندگی می‌کنند. مالکی و حنبلی هم خیلی کم در کشور داریم.

آن‌هایی که واقعا در مذهب شافعی یا در مذهب حنفی هستند، ما با این‌ها مشکل آنچنانی نداریم، این‌ها با نظام در طول این 42 و 43 سال عمدتا همگام بودند، در انتخابات شرکت کردند و در جنگ هشت ساله هم شرکت داشتند. ما با خیلی‌هایشان ارتباط داریم، می‌آیند و می‌روند و با این‌ها تلفنی صحبت داریم.

حتی من با بعضی از این‌ها رفت و آمد خانوادگی دارم. من با هیچ عالم شیعه رفت و آمد خانوادگی ندارم؛ چون اشتغالات علمی‌مان اجازه نمی‌دهد رفت و آمد داشته باشیم؛ ولی من با بعضی از علمای بزرگ اهل سنت رفت و آمد خانوادگی دارم. آن‌ها با خانواده منزل ما می‌آیند، من هم با خانواده منزل آن‌ها می‌روم.

من بارها گفته‌ام اگر ما بتوانیم حنفی را در مذهب حنفی نگهداریم که به طرف سلفی‌گری نرود، شافعی را، شافعی نگهداریم و نگذاریم به طرف سلفی‌گری برود، بالاترین خدمت را به جامعه «ایران» و به جامعه اهل سنت کردیم.

حالا این‌که ما کارخانه شیعه سازی درست کنیم که بعضی از تشیع انگلیسی این را دارند، این را ما باید کنار بگذاریم و با ادبیات درست و اساسی استفاده کنیم و از هرگونه اهانت به مقدسات اهل سنت دوری کنیم.

شما ببینید مرحوم «شیخ صدوق» روایتی را در کتاب «اعتقادات» خودش آورده است. کتاب‌های اعتقادی روایتی را مطرح می‌کنند که دیگر همه قنطره‌های رجال را پشت سر گذاشته است.

در «اعتقادات شیخ صدوق» صفحه 107 دارد که به آقا امام صادق (سلام الله علیه) عرض کردند:

«إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يُسَمِّيهِمْ.»

بعضی از شیعه‌های تند رو در مسجد می‌نشینند و نسبت به مخالفین شما فحش می‌دهند و اسم هم می‌برند.

آقا امام صادق (علیه السلام) چه فرمود؟ آیا گفت دستشان درد نکند؟ نه، فرمود:

«مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ يَعْرِضُ بِنَا»

این شیعیان را چه شده؟ خدا این‌ها را لعنت کند. این‌ها دارند ما را در معرض فحش مخالفین قرار می‌دهند.

اعتقادات الإمامیه (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی (وفات مؤلف: 381 ق)، محقق /

مصحح: ندارد، ناشر: کنگره شیخ مفید، مکان چاپ: ایران؛ قم، سال چاپ: 1414 ق، ص 107

بعد آیه 108 سوره انعام را می‌خواند:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

سوره انعام (6): آیه 108

ما از این طور روایات در منابع مان زیاد داریم. ائمه (علیهم السلام) نه تنها با اهل سنت حتی با لائیک‌های عصر خودشان برخوردهای درست و منطقی دارند.

شما ببینید «مفضل» می‌آید با «ابن ابی العوجا» که دهری است و به هیچ چیز معتقد نیست مناظره می‌کند، «ابن ابی العوجا» یک حرف‌هایی در رابطه با خدا می‌زند، یک عبارتی که از دیدگاه «مفضل» یک مقداری توهین به خدا شده و حرمت خدای عالم رعایت نشده، «مفضل» شروع کرد ایشان را به باد فحش و اهانت گرفت و جسارت کرد و خلاصه هرچه از دهنش درآمد در دفاع از خدا نثار «ابن ابی العوجا» کرد. «ابن ابی العوجا» ساکت نشست.

خیلی جالب است «توحید مفضل» صفحه 42 و مرحوم «مجلسی» هم در «بحار الانوار» جلد 3 صفحه 58 روایت را می‌آورد.

«ابن ابی العوجا» به مفضل گفت، تو جزء اصحاب امام صادق هستی یا نه؟ گفت بله. گفت:

«إِنْ كُنْتَ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا»

اگر تو از اصحاب امام صادق هستی، نباید این‌طوری با من حرف بزنی!

«وَلَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ»

از این حرف‌هایی که من الان در رابطه با خدا زدم تندترش را هم من گفته‌ام!

«فَمَا أَفْحَشَ فِي خِطَابِنَا»

هرگز ندیدم امام صادق من را فحش بدهد و به باد فحش بگیرد.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 3، ص 58، باب 4 الخبر

المشتهر بتوحيد المفضل بن عمر، ح 6

ببینید این‌ها همه پیام دارد. در لابلای روایت‌های ما مانده. حالا بعضی از بزرگواران ما و آن‌هایی که اهل منبر و ... هستند به این روایات یا برخورد نکرده‌اند و یا اگر برخورد کرده‌اند از کنارش به سادگی گذشته‌اند. ما باید این‌ها را در میان جوانان منتشر کنیم و بگوییم رویه اهل‌بیت ما این‌طوری بوده است، برخورد با یک لائیک این است. طرف توهین به خدا می‌کند، جسارت به خدا می‌کند، نمی‌آید این هم به آن طرف جسارت کند.

اگر یک صحابی هم می‌آید جسارت می‌کند، طرف لائیک می‌آید امام صادق را به رخ صحابی می‌کشد. «إِنْ كُنْتُ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا!»

لذا ما باید مقداری دقت کنیم، الان الحمدلله این جوی که در داخل کشور ما میان اهل سنت و شیعه است، شاید در جای دیگر چنین نباشد. من در کشورهای زیاد، چه اسلامی و چه «اروپا» و «آمریکا» بودم، ندیدم در هیچ کشوری این تفاهم و حسن تعاملی که بین شیعه و سنی در داخل کشور «ایران» است، در هیچ کجای دنیای باشد.

جلسه ای متفاوت در «برج الابراج» مگه مکرمه، با وهابی‌ها

من یک شب در «برج الابراج» که کنار بیت الله الحرام است و فکر کنم 62 - 63 طبقه است، مهمان آقای «دکتر ابو عمر» بودیم، ایشان مستشار عالی قضایی خاندان «ملک فهد» بود.

حدود هشت، نه نفر از اساتید برجسته «ام القرى» هم، در آن‌جا بودند، با این‌که بعضی از دوستان بعثه می‌گفتند آنجا نروید این‌ها توطنه است که شما را بکشند، گفتم بکشند چه اشکالی دارد؟ ما یک خونی داریم هدیه باشد برای اهل‌بیت!

گفتم آقا این طوری هم نیست، این ها وهابی هم که هستند، اگر ما با این ها با نرمی برخورد کنیم، برخورد این ها عوض می شود. ما رفتیم و البته هر چند وقت دوستان به موبایل ما زنگ می زدند می پرسیدند شما هنوز شربت نخوردید؟! می گفتم: نه هنوز شربت ندادند!!

ما تا ساعت سه و نیم، چهار و نیم بعد از نیمه شب با این ها صحبت می کردیم. من از جو «ایران» صحبت کردم که ائمه اهل سنت، امام جمعه هستند و نماز جمعه دارند، خطبه می خوانند، در دانشگاهها تدریس می کنند و حتی در مجلس نماینده دارند!!

وقتی که من این حرف ها را زدم اصلا این ها چشم هایشان باز مانده بود، گفتند: شما دارید یک چیزهایی می گوئید که خلاف این را به ما گفته اند. اصلا برای ما قابل قبول نیست که در «ایران» اهل سنت در مجلس نماینده داشته باشند. گفتم: مجلس که به کنار، اینها حتی در «خبرگان رهبری» نماینده دارند!!

این ها اصلا باور نمی کردند، گفتند: یعنی واقعا در «ایران» ائمه اهل سنت نماز جمعه هم می خوانند؟ گفتم شاید نماز جمعه اهل سنت بیش از نماز جمعه شیعه در ایران است. این ها در آخر جلسه به اتفاق آراء از ما خواستند که از طریق «وزارت علوم»، از «وزارت علوم عربستان» بخواهند که ما بیاییم این چیزهای آرمانی که شما دارید تعریف می کنید را از نزدیک ببینیم.

البته من همان زمان همین ها را نوشتم و خدمت جناب «آیت الله ری شهری» هم دادم، معمولاً اتفاقات این طوری که برای ما می افتاد را منعکس می کردم.

یک شب حدود 10 الی 12 نفر از دانشجویان «دانشگاه ام القرئ» که مسؤل امر به معروف و نهی از منکر بودند در «بیت الله الحرام» بالای پشت بام جلسه داشتیم.

یکی از اینها گفت - البته آنجا به ما «ابو مهدی» می گویند - جناب آقای دکتر «ابو مهدی» ما عقیده مان با شما خیلی تفاوت دارد. کارهایی که شما دارید مثل توسل و ... به عقیده مان شرک است؛ ولی ما با همه این حال، به رهبران شما افتخار می کنیم که نسبت به «آمریکا» می گویند: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

ولی رهبران ما در کنار رئیس جمهور آمریکا می‌نشینند و شراب می‌خورند. این مایه ننگ ما است. خیلی عجیب بود من صوتش را دارم، همان فردایش هم نوشتم و خدمت حاج آقای ری شهری دادم.

گفت: اگر یک روزی خدمت «آیت‌الله خامنه‌ای» رسیدید از طرف ما دستش را ببوسید و بگویید این روحیه مبارزه با استکبار برای ما افتخار است ولو این‌که از نظر اعتقادی با شما مخالف هستیم.

ببینید اینها نشان می‌دهد بر این‌که اگر ما بیاییم خیلی از مسائل را به خوبی برای اینها مطرح بکنیم حتی در دل «وهابی»ها و در دل همین دانشگاهی‌ها و اساتید دانشگاه‌هایشان؛ حتی من معتقد هستم با «داعشی»ها هم اگر بنشینیم با نرمش صحبت بکنیم خیلی از اینها بر می‌گردند.

این را بارها گفتم حتی در چند تا از مصاحبه‌هایم گفتم. یک شب مشغول طواف بودم نزدیک «حجر الأسود»، دیدم یک آقای دست روی شانه من گذاشت. من لباس دشداشه عربی پوشیده بودم برگشتم، شروع کرد هر چه از دهانش در آمد به من فحش داد.

اگر خدا فحش را در کنار «بیت الله الحرام» واجب کرده بود بیش‌تر از این نمی‌توانست فحش بدهد، من به او نگاه کردم گفتم برادر من! می‌شود یک گوشه‌ای بنشینیم با هم صحبت کنیم!؟

با صدای بلند گفت:

«أنا لستُ باخ لك، لستُ باخ لك»

گفت: من برادر تو نیستم، برادر تو نیستم. من هم گفتم:

«يا من ليس باخ لي ممكن أن نجلس و نتكلم اياك!»

ای کسی که برادر من نیستی، می‌شود یک گوشه‌ای بنشینیم و صحبت کنیم.

این دیگر از رو رفت. دید آن همه فحش داد، من جواب ندادم. گفت برویم روبروی «رکن یمانی» که معمولاً خلوت‌ترین جای «بیت الله الحرام» است بنشینیم. گفتم قرآن می‌گوید:

**وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاجِرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغُهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَعْلَمُونَ**

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)!
سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!

سوره توبه (9): آیه 6

من مشرک، پیش شما آمده‌ام کلام الله را بشنوم، بفرمایید دلیل شرک من چیست؟ شروع کرد گفت: شما قائل به تحریف قرآن هستید، من جواب دادم. گفت: شما قبر پرست هستید، سه چهار تا اشکال کرد، من از کتاب‌های خودمان و هم از کتاب‌های خودشان جواب دادم؛ خدا شاهد است همین جوانی که هر چه فحش بود از دهانش در آمد به ما گفت، والله بلند شد پیشانی و شانه من را بوسید و عذرخواهی کرد. تلفن از من گرفت، ایمیل من را گرفت و مدت‌ها هم با هم ارتباط داشتیم.

ما می‌توانیم با این‌طور برخوردهای نرم، این‌ها را اصلاح بکنیم و آن بد بینی‌ها را از بین ببریم. معتقد هستم در داخل کشور اگر ما با این روش جلو برویم آن‌هایی که جذب بعضی از فرق شدند یا جذب «سلفی»‌ها شدند خیلی راحت می‌شود این‌ها را جذب نظام جمهوری اسلامی کرد با همان عقائد خودشان!

مجری:

خیلی ممنونم، دلمان می‌خواهد اگر صلاح بدانید یک مقدار در مورد ادله کلامی حضور و شرکت در انتخابات بفرمایید.

لزوم تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام الهی در جامعه

آیت الله حسینی قزوینی:

در رابطه با انتخابات یک بحث مفصلی می‌طلبید، چند تا موضوع باید در این قضیه مطرح بشود تا این‌که وضعیت شرکت در انتخابات از نظر علمی و روائی روشن بشود. من در این زمینه فقط فهرستش را عرض می‌کنم موضوع اول این‌که ما چه شیعه و چه سنی، حاکمیت را از آن خدا می‌دانیم:

(إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ)

حکم تنها از آن خداست

سوره یوسف (12): آیه 40

حاکم اولاً و بالذات خدای عالم است. و این خدای عالم که حاکم علی الإطلاق است، آمده این حکومت و خلافت را به انبیائش محول کرده است.

(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد.

سوره بقره (2): آیه 30

(يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن

سوره ص (38): آیه 26

نسبت به رسول اکرم تعابیر شبیه این را ما داریم. بزرگان اهل سنت و دیگران هم می‌گویند اساساً اصل و ریشه نصب امام و خلیفه در کره زمین، این آیات است.

یا آیه 124 سوره بقره:

(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)

سوره بقره (2): آیه 124

کاملاً مشخص است وقتی حاکم، خدا است و این حکومت را هم به انبیاء و از طریق انبیاء هم به اوصیاء محول کرده، آنچه که اینها باید در جامعه به آن عمل کنند آراء مردم نیست، حکم الهی است.

(وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)

در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم!

سوره شوری (42): آیه 10

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (4): آیه 59

پس حاکم، خدا است و این حکومت را به انبیاء و اولیائش محول کرده و قانونی هم که باید در جامعه پیاده شود، قانون الهی است نه قانون من در آورده مردمی!

نکته بعدی این است که انبیاء فقط مسئولیت‌شان بیان احکام نیست؛ فراتر از این، این‌ها باید حکومت تشکیل بدهند؛ چون این‌ها برای اجرای عدالت، دفع ظلم، دفاع از مظلوم آمده‌اند. این جز با تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست در سوره حدید آیه 25 می‌خوانیم:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

سوره حدید (57): آیه 25

این دیگر نیروی قهری و نیروی نظامی است. نیروی حدید آن روز نمادش شمشیر و نیزه بود، امروز نمادش توپ و تانک و تفنگ و پهپاد و موشک‌های قاره پیما و امثالش است. بدون این نمی‌شود حکومت تشکیل داد.

این یک موضوع که ما باید روی گوشه‌ای از میز بگذاریم و دورش هم خط قرمز بکشیم و دیگر چیزی از این نباید بیرون بیاید و چیزی هم داخل بشود.

میزان تأثیر رأی مردم در سرنوشت کشور در بیان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

موضوع دوم: بحث انتخاب و رأی مردم است، این را با توجه به فرمایشات حضرت امیر در جای جای «نهج البلاغه» باید دید و خود قرآن هم دارد:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

سوره رعد (13): آیه 11

این مردم هستند که با انتخاب‌شان زمینه بسط عدالت انبیاء و ائمه و جانشینان ائمه را فراهم می‌کنند؛ یا نه، با سوء انتخاب‌شان اینها را کنار می‌زنند و حاکمان ظالم در مسند قدرت قرار می‌گیرند.

ما می‌بینیم در قضیه «عثمان بن عفان»، ظلم و جنایت و تبعیض نژادی و طبقاتی به حد اعلی رسید تا جایی که حضرت امیر در نامه 53 دارد که:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /

مصحح: فیض الاسلام، ص 435، نامه 53

حضرت می فرماید اسلام در دست اشرار اسیر شده است. نارضایتی‌ها به جایی رسید که منجر به قتل عثمان شد. «سپهر» در کتاب «ناسخ التواریخ» می‌گوید حضرت امیر وقتی عثمان را می‌کشتند گریه می‌کرد.

«ابن عباس» گفت: یا علی! برای عثمان که این همه ظلم کرده گریه می‌کنی؟ حضرت فرمود: من برای عثمان گریه نمی‌کنم، برای این گریه می‌کنم که حرمت خلیفه شکسته شد و خلیفه کُشی در جامعه باب شد!

شما ببینید «بلاذری» در کتاب «انساب الأشراف» نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بعد از شهادت حضرت «ابوذر» که قلب همه جریحه‌دار شد، چون «ابوذر» یک شخصیت بزرگی بود که در «ریزه» آنطور مظلومانه و غریبانه از دنیا رفت؛ وقتی حضرت، با «عبدالرحمن بن عوف» که تمام کارهای انتخاب عثمان به دست او بود، ملاقات کرد، به تندگی به او فرمود:

«هذا عملک»

نتیجه انتخاب تو این است که عثمان سر کار بیاید امثال «ابوذر»ها کشته بشود!

أنساب الأشراف؛ اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى : 279هـ) الوفاة: 279، ج2،

ص 278

اینجاست که معلوم می‌شود که انتخاب چقدر اثر دارد. نقش انتخاب این قدر مهم و اساسی است. نکته بعدی اینکه حضرت امیر (سلام الله علیه) هم در «نهج البلاغه» خطبه 146 دارد:

«مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ»

حاکم اسلامی به منزله نخ تسبیح و گردنبند است که اگر این نخ بریده شد، تمام دانه‌های تسبیح به

زمین می‌ریزد!

حاکم اسلامی باید کسی انتخاب بشود که وحدت جامعه را حفظ کند. چرا که:

«فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَزْرُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ»

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 203، خطبه 146

اگر این حاکم، این رئیس جمهور، این رئیس مجلس، این رئیس قوه قضائیه، این کسی که در رأس حکومت قرار می‌گیرد، اگر نتواند وحدت جامعه اسلامی را حفظ کند، با همه گرایش‌های فکری و اعتقادی که دارد، باعث می‌شود جامعه از هم بپاشد.

مهمترین ویژگی حاکم جامعه اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

ما از دیدگاه امیرالمؤمنین کسی را باید انتخاب بکنیم که بتواند وحدت جامعه را حفظ کند. در این زمینه روایت الی ماشاء الله داریم. یعنی شاید یکی دو مورد نباشد. مرحوم «مجلسی» در «بحار» جلد 34، صفحه 19 می‌فرماید: اگر چنانچه یک رئیس جمهور یا حاکمی را انتخاب کردید و او آدم صالح بود، و شما فرد اصلح را انتخاب کردید نتیجه‌اش می‌شود فرمایش امیرالمؤمنین که:

«يَعْدِلُ فِي الرِّعِيَّةِ، وَ يَفْسِمُ بِالسُّوِيَّةِ»

بیت المال را بالسویه میان شما تقسیم می‌کند، و مشکلات اقتصادی شما را به سهولت حل می‌کند.

بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت): نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 34، ص 19

و از این‌که، این بیت المال و ثروت عمومی را با رانت خواری و... برای یک عده نور چشمی بدهد، رئیس جمهور صالح همچنین کاری نمی‌کند. آنهایی که این کار را می‌کنند از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آدم‌های صالحی نیستند.

ولذا ما باید دقت کنیم در این انتخابات به فرمایش حضرت امیر (سلام الله علیه) که می‌گوید هر جامعه‌ای به حاکم نیاز دارد، چه حاکم بَرّ و چه حاکم ظالم؛ یعنی جامعه بدون حاکم نمی‌تواند اداره بشود. و این هم بستگی به انتخاب و آراء مردم دارد که چه کسی را انتخاب بکنند.

اگر فرد ناصالحی انتخاب کردند، دودش به چشم همین انتخاب کننده‌ها خواهد رفت. اگر چنانچه افراد صالحی را انتخاب کردند، صفا و صمیمیت و رفاه و آسایشش نصیب مردم می‌شود و این کاملاً واضح و روشن است.

نکته مهمی که در فرمایشات حضرت امیر است که خیلی برای من عجیب است و من حتی دوست دارم دوستان و حوزوی‌های عزیز ما توجه جدی به آن داشته باشند و در سخنرانی‌های انتخاباتی خود مطرح کنند، خطبه 216 «نهج البلاغه» است.

الان فرصت نیست که بیان کنم ولی شاید می‌شود 30 الی 40 نکته و پیام اساسی در این خطبه برای انتخاب یک حاکم، یک رئیس جمهور، یک استاندار و یک فرماندار بیان کرد.

من فقط به یک نکته‌اش اشاره کنم که حضرت می‌فرماید:

«وَلَا تَطْتُؤُوا بِي اسْتِثْقَالَ فِي حَقِّ قَيْلٍ لِي وَ لَا التَّمَّاسِ إِعْظَامٍ لِنَفْسِي»

می‌گوید من دوست ندارم اگر کسی پیشنهاد خوب و انتقاد خوبی نسبت به حکومت من دارد خودداری کند، باید بیاید علناً پیشنهادش را بگوید، انتقاداتش را مطرح کند، راهکارش را هم بگوید. انتقاد مطرح کردن بدون راهکار خیانت است.

فرمود اگر نسبت به عملکرد من کسی انتقاد سازنده‌ای دارد و می‌تواند مطرح کند، بیاید مطرح کند. من یا جواب می‌دهم یا اگر اشکالی دارد اصلاح می‌کنم. بعد می‌فرماید:

«فَإِنَّهُ مَنِ اسْتَثْقَلَ الْحَقُّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 335، خطبه 216

امام معصوم دارد به ما درس می‌دهد. «کل ما یصدر من المعصوم من قبل الله» است. حضرت دارد برای حاکمان بعدی درس می‌دهد. می‌گوید آن کسی که از شنیدن انتقاد یا از طرح پیشنهادات عصبانی می‌شود و به خروش می‌آید، شروع به تندی کردن و پرخاش کردن می‌کند، این فرد شایستگی برای مسند ریاست جمهوری، ولایت، استانداری و فرمانداری ندارد.

این یک جمله خیلی زیبایی است که می‌گوید روحیه انتقاد پذیری نشانگر این است که فرد در عمل موفق خواهد بود و پرخاشگری در برابر انتقاد نشان می‌دهد که این آقا موفق نمی‌شود.

وقتی یک حاکمی، رئیس جمهوری یا حتی یک ولی فقیهی، روحیه انتقاد پذیری داشت، در کارش موفق خواهد بود. من واقعاً از این جمله‌ای که «مقام معظم رهبری» همین دو سه هفته قبل گفت و خیلی هم فاصله نداریم، لذت بردم.

ایشان یک گزارشی در جلسه‌شان در رابطه با دولت گفت و بعد فرمود: افراد به من نامه نوشتند که این گزارش برای چند سال قبل است و درست نیست. ایشان آمد اصلاح کرد و عذر خواست!!

می‌گوید همچنین کسی که انتقاد پذیر باشد می‌تواند جامعه را اصلاح بکند. چه مسئله سیاسی باشد چه مسئله اجتماعی باشد، چه مسئله اقتصادی باشد.

ولی اگر یک کسی آمد از او انتقاد کردند و او برگشت گفت: آقا شما کم سواد، بزدل، عقب مانده، و بی‌شناسنامه هستید، آلزایمر سیاسی گرفتید، یا او را حواله به جهنم بدهد و... قطعاً همچنین فردی نتیجه‌اش روشن است و داریم می‌بینیم. یک روزی صف مرغ و صف تخم مرغ است و یک روز قطعی برق و ... است.

این فرمایش حضرت امیر باید در این انتخابات برای ما الگو باشد. این چند نفری که کاندید شدند چون اینها معصوم که نیستند، چه بسا رئیس جمهور در یک زمینه‌ای تخصص دارد و در جاهای دیگر تخصص ندارد و لذا باید از متخصصین صالح و کسانی که دلسوز جامعه هستند استفاده کند.

اگر کسی انتقاد کرد و این فرد هم ده تا تندی بکند، مشخص است چه می‌شود، این فرمایش حضرت امیر (سلام الله علیه) است که می‌فرماید کسی که انتقاد پذیر نباشد نمی‌تواند عدالت را در جامعه رعایت کند. در این زمینه حرف خیلی زیاد داریم، ولی چون جلسه بعد هم داریم به همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

ان شاء الله دوستان اطلاع رسانی کنند مخصوصاً خطبه 216 «نهج‌البلاغه» که خیلی پیام دارد، نامه 53 خیلی مفصل است، در سازمان «ناسا» به عنوان یک مدرک ثابت پخش شد؛ ولی خطبه 216 «نهج‌البلاغه» خیلی نکات زیبایی دارد که ما بتوانیم در آنجا فرمایشات حضرت امیر را برای مردم توضیح بدهیم و بیان کنیم و ملاک‌های انتخاب خوب را بگوییم.

مراقب جنگ روانی روزهای نزدیک به انتخابات باشید!!

در پایان یک نکته‌ای عرض کنم؛ تجربه‌ای که ما داریم، نه تنها در «ایران»، بلکه در سراسر دنیا، این است که بعضی از کاندیداها که روحیه شیطنتی دارند، دو سه روز مانده به انتخابات، یک جنگ روانی درست می‌کنند و در فضای مجازی و در جامعه مطرح می‌کنند و آن‌که مورد نظرشان است بر سر تخت می‌نشانند.

من به همه جوان‌های عزیز و مردمی که برای رفاه خودشان علاقمند هستند تقاضا می‌کنم در این رابطه مراقب باشند. جنگ روانی که دو سه روز قبل از انتخابات انجام می‌شود خیلی خطرناک است

ما داریم می‌بینیم در فضای مجازی امثال این حرکتها را که مثلاً یکی از آقایان گفته بود: "فلان آقا رحم اجاره ای ما است" و یا "دختران جوان ماتیک مالیده ابزار ما هستند که می‌توانیم این‌ها را دو سه روز مانده به انتخابات در خیابان‌ها بریزم"؛ یعنی اینها به شعور و ناموس مردم با این حرف‌شان دارند توهین می‌کنند، و لذا ما مراقب این باشیم.

نکته مهم پایانی من این است که توجه داشته باشیم در رأس این نظام، ولی فقیه است و در جامعه باید نظرات ایشان پیاده بشود.

ویژگی‌های ولی فقیه ما هم این است که خودشان 8 سال رئیس جمهور با بالاترین رأی بودند. هیچ رئیس جمهوری در این 42 سال رأیی که خود «مقام معظم رهبری» در دوران ریاست جمهوری داشت نداشتند؛ یعنی اضافه بر آن مسائل علمی و تجربیات عملی که دارد، بالاترین اقبال مردمی را هم دارد.

یک رئیس جمهوری می‌تواند موفق باشد که هم فکر، همراه و مطیع رهبر باشد و آن اندیشه‌های رهبری را در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی پیاده کند.

اگر مسئولین ما، چه رئیس جمهورش باشد چه مجلس و دیگران باشد با رهبری همخوانی نداشته باشند، دودش به چشم مردم می‌رود. ولذا دوستان دقت کنند از این کاندیدها کدام یک از این‌ها ویژگی‌هایی که حضرت امیر (سلام الله علیه) آورده و ائمه (علیهم السلام) مطرح کرده اند را دارند و کدام یک از این‌ها همخوانی بیشتری با رهبری دارند و بیش‌تر مطیع هستند.

مطیع و نافرمان نمی‌گوییم! یعنی اگر یکی 90 درصد مطیع است و دیگری 89 درصد، از نظر وجدان اگر ما این 89 درصدی را انتخاب کنیم، به خودمان خیانت کردیم. البته آن کسی که زاویه دارد حسابش روشن است!

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»